

تعداد سؤال: ۳۰ تکلیف: ۱۰۰ نظریه: ۱۰۰
زمان آزمون (تکلیف و تکلیف): ۶۰ نظریه: ۱۰۰

نام درس: قواعد فقه ۲
رشته تحصیلی: گرایش حقوق
کلاس: ۱۲۲۰۲۹۵

* دانشجوی گرامی: لطفاً گزینه ۱ را در قسمت کد سری سؤال برگه پاسخنامه خود علامت بزنید. بدیهی است، مسئولیت این امر بر عهده شما خواهد بود.

* این آزمون نمره منفی ندارد.

۱. مواردی از نقص مادی و معنوی وجود دارد که جنایات به آنها به طور خاص در شرع مطرح نشده و برای آنها دیه خاصی مقرر نشده است، چگونه باید جبران خسارت نمود؟

- الف. از طریق دیه
ب. از طریق قصاص
ج. از طریق حکومت
د. از طریق صلح

۲. بر تعیین دیات منصوص، اصل و در ضمان جنایت غیر منصوص، اصل است.

- الف. حر، عبد
ب. حر، حر
ج. عبد، حر
د. عبد، عبد

۳. در صحیح عبدالرحمن بن یسار از امام صادق (ع) «و ما كان جروحاً دون الاصطلام فيحكم به ذوا عدل منكم» منظور از «ذوی العدل» کیست؟

- الف. شاهد عادل است که باید در محکمه شهادت دهد و به مقتضای آن حکم شود.
ب. گناهی از مجنی علیه است.

ج. گناهی از دو شاهد عادل است.

د. گناهی از حاکم عادل است.

۴. قاعده «غیر المباشراً لایقاص الا فی موارد» در راستای کدامیک از قواعد زیر است؟

- الف. اصل قانونی بودن جرم
ب. اصل قانونی بودن مجازات
ج. اصل شخصی بودن جرم
د. اصل سرزمینی بودن جرم

۵. از نظر شهید، کاشتن درخت مو - انگور - و ایجاد تاکستان در شرایط زمانی و مکانی خاص که امکان استفاده از انگور برای مشروب سازی ممکن است، چه نوع سببی محسوب می شود؟

- الف. سبب قریب
ب. مقدمه حرام
ج. سبب معنوی یا مشکوک
د. سبب اقوی

۶. مجموع علل اربعه «فاعلی، غایی، مادی، صوری» که به صورت وجود مقتضی و شرط تأثیر و عدم مانع موجب تحقق مسبب می شود، چه اسبابی نامیده می شود؟

- الف. اسباب شرعی
ب. اسباب عرفی
ج. اسباب فاعلی
د. اسباب عقلی

۷. اسباب عرفی

الف. معمولاً به سبب فاعلی اطلاق می شود که عنصر اصلی در تحقق مسبب است.

ب. به آنها علت تامه نیز گفته می شود.

ج. به مجموع علل اربعه «فاعل، غایی، مادی، صوری» گفته می شود.

د. امارات و معرفهائی هستند که شرع وجود آنها را به مثابه تحقق مسببات شمرده است.

تعداد سوالات فقهی: ۳۰ تکلیفی: — نظری: —
زمان آزمون (تثبوت فقهی و تکلیفی): ۶۰ دقیقه: —

نام درس: قواعد فقه ۲
رشته تحصیلی: گرایش حقوق
کد پرسن: ۱۲۲۰۲۹۵

۸. کدام گزینه بیان کننده اسباب شرعی است؟

- الف. اسبابی که شارع به طور قراردادی آنها را سبب اعتبار مسیبتانی دانسته که موضوع یا متعلق احکامند.
ب. امارات و معرفهائی که شارع وجود آنها را نشانه تحقق مسیبتات شمرده است.
ج. اسبابی که شارع سببیت آنها را نسبت به احکام خاص و معتبر داشته است.
د. همه موارد

۹. اصل در تشخیص سبب چیست؟

- الف. عرف ب. عقل ج. شرع د. فاعل
۱۰. هرگاه شخصی در غیر ملک خود چاهی کنده و دیگری، شخص ثالثی را در آن افکند، در نتیجه وی به قتل برسد، در صورت چهل شخص دوم، به عقید آیت... خویشی ضمان بر عهده کیست؟

- الف. سبب ب. مباشر ج. هر دو د. هیچکدام
۱۱. در موارد سببیت، هرگاه در سببیت چیزی یا شخصی نسبت به شیء یا فعلی تردید حاصل شود اصل چیست؟

- الف. سببیت ب. عدم سببیت ج. سببیت عرفی د. عدم سببیت عرفی
۱۲. در صورتی که در سببیت اسبابی که شارع به طور قراردادی، آنها را سبب اعتبار مسیبتات دانسته، تردید شود اصل چیست؟

- الف. برائت ب. استصحاب ج. سببیت د. استصحاب عدم
۱۳. اگر در اسبابی که موجب تحقق حکم می شوند تردید شود، مانند سببیت که موجب و سبب حد می شود، اصل چیست؟

- الف. برائت ب. استصحاب ج. سببیت د. استصحاب عدم
۱۴. چنانچه شخصی در گودال افتاده و دیگری که قادر به نجات او است او را به حال خود رها کند تا بمیرد، سبب چگونه است و از نظر مشهور فقها حکم این مورد چه می باشد؟

- الف. سبب فلسفی، پرداخت دیه ب. سبب عقلی، برائت ج. سبب عدلی، بی گناهی د. سبب شرعی، پرداخت دیه

۱۵. مفاد قاعده «یرث القصاص من یرث المال» چیست؟

- الف. حق قصاص، در حقیقت و بالاصاله حق میت است ولی تنها استیفای آن به وارث می رسد.
ب. حق قصاص، در حقیقت و بالاصاله حق میت است ولی تنها همان حق عیناً به وارث منتقل می شود.

- ج. پس از فوت صاحب حق، حق قصاص بالاصاله به ورثه نیز منتقل می شود.
د. حق قصاص در حقیقت و بالاصاله حق میت است و نه تنها استیفای آن بلکه حق قصاص عیناً به ورثه منتقل می شود.

۱۶. در بحث معاوضه دیه به جای قصاص، اگر در حق میت صورت پذیرد.....

- الف. زوج و زوجه هم از قصاص ارث خواهند برد و هم دیه

- ب. زوج و زوجه نه از قصاص ارث برده و نه از دیه

- ج. زوج و زوجه از قصاص ارث می برند ولی از دیه ارث نمی برند.

- د. زوج و زوجه از قصاص ارث نمی برند ولی از دیه ارث می برند.

۱۷. بر اساس نص و لغوی تنها چه کسی یا کسانی از دیه ارث نخواهند برد؟

- الف. زوج و زوجه ب. کلاله امی ج. کلاله ابی د. کلاله ابی و امی

۱۸. کدامیک از حدود در فقه امامیه مورد شناخته شده و مورد بودن آن اجماعی است؟

- الف. حد سرقه ب. حد قذف ج. حد ارتداد د. حد محاربه

تعداد سوالات فنی: ۳۰ تکلیف: — تئوری: —
زمان آزمون (نظریه): تستی و تکلیفی: — تئوری: —

نام درس: قواعد فقه ۲
رشته تخصصی: حقوق
کتاب: ۱۳۲۰۲۹۵

۱۹. مقتضای قاعده «الحد لا یورث» چیست؟
الف. اقامه حد از باب تکلیف است نه حق
ب. اقامه حد از باب حق است نه تکلیف
ج. اقامه حد نه از باب تکلیف است و نه از باب حق
د. اقامه حد هم از باب تکلیف است و هم حق
۲۰. قاعده «لایمین فی حد و لا شفاعه فیه» آیا قابل تسری به تعزیرات هم هست؟
الف. ظاهر نصوص این است که این قاعده هم به حدود اختصاص دارد و هم به تعزیرات.
ب. ظاهر نصوص این است که این قاعده قابل تسری به تعزیرات نیز هست.
ج. ظاهر نصوص این است که این قاعده اختصاص به حدود داشته و تعمیم حدود به تعزیرات قابل تأمل است.
د. ظاهر نصوص این است که این قاعده قابل تسری به حدود نیست.
۲۱. فقها مبتنی بر قاعده «الحدود تدرء بالشبهات» را چه دانسته و آن را به کدامیک از حقوق اختصاص داده‌اند؟
الف. مبنای این قاعده را تخفیف در حقوق الله دانسته و آن را به حق الله و حقوق الناس اختصاص داده‌اند.
ب. مبنای این قاعده را احتیاط دانسته و از این رو آن را به حدود ناشی از حقوق الناس اختصاص داده‌اند.
ج. مبنای این قاعده را تخفیف در حقوق الله و امتنان دانسته و از این رو آن را به حدود ناشی از حقوق الناس و حق الله اختصاص داده‌اند.
د. مبنای این قاعده را تخفیف در حقوق الله و امتنان دانسته و از این رو آن را به حدود ناشی از حق الله اختصاص داده‌اند.
۲۲. در قاعده «الحدود تدرء بالشبهات» تعمیم معنای حدود به تعزیرات از باب چه دلالتی است؟
الف. احادیث و روایات
ب. حکم عقل
ج. قیاس
د. مطابقت
۲۳. مراد از معنی «حدود» در قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» چیست؟
الف. قدر متیقن حدودی است که از حق الله ناشی می‌شود و نسبت به حدود دیگر نیز قابل شمول است.
ب. قدر متیقن حدودی است که حق الله ناشی می‌شود و نسبت به حدود دیگر قابل شمول نمی‌باشد.
ج. قدر متیقن حدودی است که از حقوق الناس ناشی می‌شود و نسبت به حدود دیگر قابل شمول نمی‌باشد.
د. قدر متیقن حدودی است که از حقوق الناس ناشی می‌شود و نسبت به حدود دیگر نیز قابل شمول می‌باشد.
۲۴. مفهوم لفظ «درء» در قاعده «الحدود تدرء بالشبهات» چیست؟
الف. سقوط و دفع
ب. ثبوت و بقاء
ج. تخفیف و کاهش
د. دور کردن
۲۵. کدام گزینه مبین اختلاف دیدگاه بسیاری از فقهای اهل سنت و امامیه در مفهوم لفظ «شبهات» در قاعده «الحدود تدرء بالشبهات» می‌باشد؟
الف. بسیاری از فقهای اهل سنت، شبهه را شامل هر نوع عامل و انگیزه تردید بر انگیز، در اجرای حدود دانسته‌اند و فقهای امامیه آن را به قصاص نیز تعمیم داده‌اند.
ب. بسیاری از فقهای اهل سنت، شبهه را به مراحل اثبات جرم و خصوصیات متهم تعمیم داده‌اند ولی فقهای امامیه آن را تنها به قصاص تعمیم داده‌اند.
ج. بسیاری از فقهای اهل سنت «شبهه» را به قصاص تسری داده‌اند و فقهای امامیه آن را به صورت عام شامل هر نوع عامل و انگیزه تردید بر انگیز، در اجرای حدود دانسته‌اند.
د. بسیاری از فقهای اهل سنت آن را به صورت عام شامل هر نوع عامل و انگیزه تردید بر انگیز، در اجرای حدود دانسته‌اند، در حالیکه در فقه امامیه عمدتاً شبهات به موارد چهل به حکم اختصاص یافته است.

تعداد سؤالات نظری: ۲۰ تکلیفی: — نظری: —
زمان آزمون (بالای): ۱۰۰ دقیقه و تکلیفی: ۶۰ — نظری: —

نام درس: قواعد فقه ۲
رشته تحصیلی: کارشناسی حقوق
کد درس: ۱۲۲۰۲۹۵

۲۶. فقهای مذاهب اربعه (اهل سنت) مضمون روایاتی که در زمینه «دفع البد بالشیبه» وارد شده را
الف. کافی نشمرده اند
ب. مسلم و طبری نقلی کرده اند.
ج. ضعیف نقلی کرده اند.
د. فاقد اعتبار دانسته اند.
۲۷. قول امامیه در قاعده «الحدود ثمره بالشبهات» چیست؟
الف. در سند حدیث مناقشه کرده و عمل مشهور را کافی ندانسته اند.
ب. قاعده را قبول کرده در موارد مختلف بآب حدود و قصاص به آن استناد کرده اند.
ج. قاعده را قبول کرده و تنها در موارد مختلف بآب حدود به آن استناد کرده اند.
د. عموماً در شبهات موضوعیه به آن استناد کرده اند.
۲۸. دیدگاه فقهای شیعه و جمهور فقهای عامه در خصوص قاعده «لاقصاص الا باذن الامام الا فی الامور» چیست؟
الف. فقهای شیعه این قاعده را الزام آور نداشته و جمهور فقهای عامه بر آنند که اذن امام شرط در جواز قصاص است.
ب. فقهای شیعه این قاعده را الزام آور شمرده اند و جمهور فقهای عامه بر آنند که اذن امام شرط در جواز قصاص است.
ج. فقهای شیعه این قاعده را الزام آور شمرده اند و جمهور فقهای عامه بر آنند که اذن امام شرط نیست.
د. فقهای شیعه این قاعده را الزام آور نشمرده و جمهور فقهای عامه نیز بر آنند که اذن امام در جواز قصاص شرط نیست.
۲۹. با توجه به قاعده «لاقصاص الا باذن الامام الا فی الامور» (سیوطی) جواز قتل محاربی که مرتکب قتل شده توسط امام یا ولی دم را از چه بایی می داند؟
الف. آن را مطابق این قاعده می داند.
ب. به جواز چنین قتلی اعتقاد نداشته و آن را موجب قصاص می داند.
ج. بر جواز آن قایل بوده و در صورت عدم اثبات، آن را موجب قصاص دانسته است.
د. آن را به عنوان مستثنیات قاعده آورده است.
۳۰. با توجه به قاعده «الامتناع بالاختیار فی الجزایات» نظر شهید ثانی در رابطه با شخصی که توسط شخص دیگری به آتش افکنده شده و قادر به نجات خود می باشد و خود را نجات ندهد چیست؟
الف. قایل به قصاص شده است.
ب. قایل به دیه شده است.
ج. قصاص را نفی کرده و مسئولیت ملکی را منحصر در ضمان مالی دانسته است.
د. هم قصاص را نفی کرده و هم مسئولیت ضمان مالی را.